

تحلیل شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی در مناطق روستایی شهرستان سلسله

ابوذر قاسمی نژاد^۱، باقر حسنونند^۲، حامد قلی‌زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۲

از صفحه ۱ تا ۳۰

یژوهشنامه جغرافیای انظامی
سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶

چکیده

نزاع دسته‌جمعی تحت‌تأثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع بوده است و به تناسب این شرایط ارزش‌ها و نگرش‌های حاکم بر افراد و جوامع منجر به خسارت‌های مادی و معنوی غیرقابل اجتنابی شده است. هدف این مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منازعات دسته‌جمعی در روستاهای «د.د»، «ح.ر» و «پ.ک» شهرستان سلسله بوده است. با استفاده از روش «کیفی» و «مصاحبه عمیق» با ۲۹ نفر از ساکنان بالغ و مطلعان جامعه مورد مطالعه، که به صورت «هدفمند» انتخاب شدند، به آرایه یافته‌های مقتضی مبادرت شد. یافته‌ها نشان می‌دهد ته‌نشست‌های فکری- فرهنگی جامعه مورد مطالعه همچون طایفه‌گرایی و ناموس‌پرستی همواره نقش به‌سزایی در بروز نزاع‌ها داشته است. از طرفی، شرایط اقتصادی نظیر رشد بیکاری و اختلافات ملکی (لایه‌روبی انهار و آرث و میراث) نزاع‌های دسته‌جمعی را وارد فاز جدیدی کرده است که در تطابق با فرایندهای سیاسی مانند تزلزل در مدیریت روستا (ناکارآمدی شوراها) و نگرش‌های منفی نسبت به مراجع نظامی (پلیس) و قضایی وقوع نزاع‌های دسته‌جمعی را به‌عنوان امری پوشیده و بالقوه درآورده است.

کلید واژه‌ها: نزاع دسته‌جمعی، طایفه‌گرایی، بیکاری، اختلافات ملکی، مدیریت روستا.

۱- دانشجوی دکتری توسعه و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی abozar.ghasemi2013@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

بیان مسئله

نزاع دسته‌جمعی از جمله آسیب‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود و به پدیده‌ها و وقایعی اطلاق می‌شود که هر جامعه مفروض در زمان معین با رجوع به مجموعه ارزش‌های خود آنها را غیرمنطقی، نادرست و مخل نظم اجتماعی می‌پندارد و درنهایت با بار منفی همراه است. نزاع جمعی درگیری است که «حداقل سه نفر» در آن شرکت دارند (سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۱). این‌گونه نزاع‌های دسته‌جمعی متأثر از نوع معیشت و مکان زندگی روستا یا شهر و طبقه اجتماعی افراد، میزان حاکمیت قانون و اعتماد به ساختارهای حاکمیتی در حل این مسائل، تعریف نقش و شخصیت فرد، خانواده، عشیره و قبیله و میزان وابستگی افراد به ساختار اجتماعی و سنتی، ساختار قدرت اجتماعی، فرهنگ و هویت تاریخی و اجتماعی و ارزش‌ها و اعتقادات است. همچنین، یکی از عوامل تأثیرگذار در نزاع و خشونت چهارچوب فرهنگی جوامع انسانی است. هر جامعه‌ای بنابه تاریخ و گذشته‌ای که پشت سر می‌گذارد دارای ویژگی‌های زبانی و فرهنگی خاص خود می‌شود که آن را از دیگر جوامع متمایز می‌سازد (آشوری، ۱۳۸۱: ۶۲). این تمایزات و ویژگی‌های خاص در برخی از موارد منجر به شکل‌گیری تهنشست‌های تعصب‌آمیز و همراه با غرور قبیله‌ای و قومی می‌شود که تبعات و آثار آن در اشکال گوناگون همچون نزاع‌های دسته‌جمعی و خشونت‌های زیان‌بار به منصفه ظهور می‌رود. در نواحی روستایی در طول تاریخ نزاع‌های زیادی بر سر مراتع چرا، احشام، گله‌ها و کوچ‌نشین‌ها اتفاق افتاده است. همچنین، نزاع‌هایی بر سر کشت زمین در بین کشاورزان دیده می‌شود. «در جامعه عشایری و روستایی نظم انضباطی مبتنی بر سلطه اجتماع و تشابه‌پذیری از نظر وجدان جمعی مانع انسجام توأم با تفکیک و تفاوت‌پذیری است. استقلال و هویت فردی تحت‌الشعاع هویت جمعی کوچک و «خاص‌گرایانه» طایفه‌ای و قبیله‌ای است. این امر دامنه اعتماد اجتماعی و انسجام جمعی را محدود و نوآوری و تغییر را دشوار می‌سازد. مصالح قومی، قبیله‌ای و خانوادگی بر منافع فردی، سنت‌گرایی بر تعقل‌گرایی، خاص‌گرایی بر عام‌گرایی و حقوق کیفری و مجازات تنبیهی از جمله قصاص و انتقام‌جویی بر حقوق مدنی و مجازات ترمیمی و پیشگیرانه مسلط است (عبداللهی، ۱۳۷۲: ۲۴۴).

در تاریخ ایران نیز همانند بسیاری از جوامع دیگر به دلایلی همچون تنوع معیشتی، فرهنگی، شدت ارتباطات درون‌گروهی، قلت ارتباطات برون‌گروهی، محرومیت‌ها،

نابرابری‌ها، تعصبات قومی و قبیله‌ای و غیره زمینه‌های بروز نزاع‌های جمعی و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای وجود دارد و هنوز در گوشه و کنار کشورمان بعد از گذشت این همه دگرگونی‌های اجتماعی و تغییرات فرهنگی آثار ناگوار پدیده‌ای به نام نزاع‌های جمعی و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای مشاهده می‌شود. هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در برخی فرهنگ‌ها شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود. این امر در برخی مناطق روستایی شهرستان سلسله نیز مشهود است. ریشه و بستر اولیه نزاع‌های جمعی را در «شهرستان سلسله» می‌توان در عوامل متعددی مطالعه کرد زیرا عوامل مختلفی مانند آثار محیط طبیعی، ریشه‌های اجتماعی، ابعاد فرهنگی، زمینه‌های اقتصادی، ابعاد فرهنگی و عوامل سیاسی در شکل‌گیری و تداوم آن دخیل بوده‌اند و برای تحلیل کم‌وکیف نزاع‌های جمعی باید به ارزیابی آنها پرداخت. بنابراین، توصیف و تبیین علل و عوامل مؤثر بر نزاع‌ها و درگیری‌های قومی از منظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بااهمیت است و از لحاظ علمی نیز قابل شناخت و قانونمند محسوب می‌شود به طوری که می‌توان یکی از دلایل فقدان توسعه استان و شهرستان را نزاع‌های جمعی و درگیری‌های خشونت‌بار دانست. «نزاع و درگیری در استان طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ سیر صعودی داشته است. باتوجه به اقدامات فرهنگی، همکاری شوراهای ارتباط فرماندهان کوپ با معتمدان محلی و شوراهای حل اختلاف روستایی و شهری، که در این رابطه صورت گرفته، در سال ۱۳۸۸ آمار نزاع کاهش چشمگیری داشته است. اما متأسفانه در سال ۹۰-۸۹ نیز تعداد نزاع‌ها افزایش داشته است (فرمانداری استان لرستان، ۱۳۹۰).

این آمار تا سال ۱۳۹۵ در کل شهرستان بالغ بر ۲۵۰ مورد گزارش شده که آمار بالایی را نسبت به دیگر مناطق نشان می‌دهد (نیروی انتظامی شهرستان سلسله، ۱۳۹۵). این میزان در مناطق روستایی به نسبت مناطق شهری دیگر نمود بیشتری داشته است. در روستاهای «د.د»، «ح.ر» و «پ.ک»^۱ به علت جمعیت زیاد و وجود ریشه‌های قومی و وابستگی‌های قبیله‌ای بین افراد، دخالت‌های رؤسای محلی و همچنین دیررسیدن و یا تأخیرهای طولانی قوای دولتی از دیرباز درگیری‌های طایفه‌ای و نزاع‌های دسته‌جمعی

۱- به دلیل این که ممکن است حساسیت و نگرش منفی نسبت به این روستاها به وجود آید و نیز لزومی به ذکر اسامی روستاهای مورد مطالعه نیست بنابراین، از ذکر آنها به صورت مستقیم خوداری کرده و به صورت حروف مقطوع نوشته شده‌اند.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

به‌منظور تأمین امنیت و حمایت از اعضای طایفه و... وجود داشته است. با وجود این، با توجه به آنچه که گفته شد هدف اصلی این مطالعه واکاوی و تحلیل جامعه‌شناختی چگونگی بروز نزاع‌های دسته‌جمعی در مناطق روستایی شهرستان سلسله می‌باشد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

نزاع‌های دسته‌جمعی همواره یکی از منابع تهدیدکننده نظم و همبستگی اجتماعی جوامع روستایی و عشایری بوده است. این امر علاوه بر خسارت‌های مادی و اقتصادی به طرفین نزاع منجر به ائتلاف سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی و نیز تهدید سازوکارهای توسعه بوده است. فرورفتگی امنیت اجتماعی و اقتصادی این جوامع نیز یکی از آسیب‌های نزاع‌های دسته‌جمعی بوده است. بنابراین، ضرورت مطالعه جامعه‌شناختی و واکاوی بروز این نزاع‌ها از ارزش علمی بالایی برخوردار است. افزون بر این، انجام مطالعه‌ای به‌صورت کیفی و با ارجاع به نگرش‌ها و تهنشست‌های فکری افرادی که درگیر این نزاع‌ها هستند خود بر اهمیت این مطالعه می‌افزاید.

همان‌گونه که اشاره شده نزاع‌های دسته‌جمعی خسارت‌های مادی و فرهنگی بالایی به بار می‌آورند و این که «یکی از شاخص‌های وجود خشونت در جامعه میزان نزاع‌های دسته‌جمعی است» (سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۲۰) تاکنون مطالعات اندکی در این حوزه در مناطق روستایی مورد مطالعه انجام شده است. این در حالی است که همواره میزان خشونت‌های دسته‌جمعی در این مناطق بالا بوده است و ناگزیر این مطالعه می‌تواند در ارتقای همکاری‌های قومی و طایفه‌ای و نیز با ارایه راهکارهای مناسب به مسئولان به‌منظور حل منازعات اثربخش باشد.

پرسش‌ها و اهداف پژوهش

هر تحقیقی تلاش در جهت پاسخگویی به سؤال یا سؤالات و همچنین در پی اثبات و یا رد فرضیه و یا فرضیاتی است. به عبارتی سؤالات و فرضیات راهنما و جهت‌دهنده به تحقیق هستند. درواقع، سؤالات شاکله اصلی تحقیق هستند و نشانگر دغدغه‌های شخصی و یا اجتماعی محقق می‌باشند که سعی دارد با کندوکاو و سیر در مبانی نظری و عملیاتی نمودن متغیرهای خویش و یا مطالعات طولی، تاریخی (قاسمی‌زاد، ۱۳۹۱) به

آنها پاسخ مناسبی بدهد تا هم به دغدغه شخصی نائل آید و هم بر پژوهش‌های قبلی چیزی بیفزاید. هدف اصلی این مطالعه بررسی جامعه‌شناختی سازکارهای وقوع نزاع‌های دسته‌جمعی در بین مناطق روستایی شهرستان سلسله می‌باشد. باتوجه‌به این هدف اصلی پرسش‌های پژوهشگر در ارتباط با این پدیده عبارتند از:

- ۱- سازوکارهای فرهنگی و اجتماعی چگونه در وقوع نزاع‌های دسته‌جمعی موثر هستند؟
- ۲- شرایط اقتصادی چگونه منجر به شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی در بین مناطق روستایی می‌شوند؟
- ۳- نگرش‌های سیاسی اهالی و عوامل قضایی چگونه در وقوع و یا تشدید نزاع‌های دسته‌جمعی نقش ایفا می‌کنند؟

مبانی نظری پژوهش

درگیری‌های میان‌گروهی یا میان‌قبیله‌ای ممکن است با اهداف مختلفی انجام شود. برخی از این درگیری‌ها برای تحقیر، توهین و بی‌حرمتی به طرف مقابل، برخی برای افزایش شهرت و اعتبار طرف پیروز، گاهی برای به‌دست‌آوردن دوباره املاک و زمین‌های از دست‌رفته و گاهی نیز به‌منظور تصاحب املاک و زمین‌های جدید و به‌اصطلاح «قلمروداری»^۲ صورت می‌گیرد (گلدشتاین^۳ و همکاران، ۱۹۹۴). از جمله عوامل دیگری که زمینه‌ساز این‌گونه درگیری‌ها و نزاع‌های اجتماعی می‌باشد می‌توان به وضعیت‌هایی همچون فقر، بیکاری، مواد ناکافی و... اشاره کرد که باعث رنجش فیزیکی و روانی بخش‌هایی از جامعه شده و باعث می‌شود کیفیت زندگی افراد این جوامع کاهش یابد (ایتزن، ۱۹۹۲: ۳). در مطالعه دورکیم درباره آنومی، که آن را نوعی بی‌سازمانی اجتماعی، اختلال، اغتشاش، گسستگی و بی‌هنجاری می‌داند، بی‌هنجاری به مفهوم عدم اجماع درباره اهداف اجتماعی، انتظارات اجتماعی و آنچه جامعه به‌عنوان قواعد الگوی عمل برای اعضای خویش نموده به کار برد. بر اساس این تئوری، عدم توافق در مورد هنجارهای اجتماعی و عدم یگانگی و همبستگی اجتماعی عامل بروز انحراف است.

2- Territoriality.

3- Goldstein .

بنابراین، نزاع دسته‌جمعی و سایر اشکال کج‌رفتاری در اندیشه دورکیم معلول مکانیسم‌های معین و عوامل اجتماعی مشخص می‌باشد (نظری و فسخودی، ۱۳۸۷: ۴).

عنصر درگیری بیانگر میزان مشارکت افراد در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است. به نظر هیرشی کسانی که گرفتار کار، زندگی خانوادگی، سرگرمی و... هستند معمولاً فرصت کمتری برای درگیر شدن در رفتارهای کج‌روانه دارند. در عین حال، به نظر او همین مشارکت فرد را در معرض انواعی از اهرم‌های «کنترل اجتماعی» قرار می‌دهد که افراد مرتبط با او بر او اعمال می‌کنند. به همین نحو آشکار است کسانی که در فعالیت مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند فرصت و آزادی عمل بیشتری نیز برای دست‌یازیدن به رفتارهای کج‌روانه می‌یابند. از دیدگاه ثوری هیرشی نزاع دسته‌جمعی مانند دیگر اشکال بزهکاری معلول کاهش و فقدان نظارت و کنترل اجتماعی است. زمانی که کنترل اجتماعی تضعیف می‌گردد متقابلاً یکپارچگی اجتماعی دستخوش زوال و نقصان می‌شود که این خود به کاهش اقتدار ناشی از یکپارچگی منجر شده و بالأخره در اثر آن توانایی پیشگیری مؤثر از بزهکاری و انحراف نقصان‌یافته احتمال بروز کژرفتاری افزایش می‌یابد (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

به‌زعم «ولد» تضاد گروهی بر تضاد منافع متمرکز است. این دیدگاه بر دیدگاهی از سرشت انسانی مبتنی است و معتقد است که انسان‌ها به‌طور اساسی موجوداتی گروه‌مدارند و زندگی‌شان بخش و محصولی از پیوندهای گروهی‌شان است. گروه‌ها از خلال وضعیت‌هایی شکل می‌گیرند که در آن اعضا منافع و نیازهای مشترکی دارند و می‌توان آنها را به بهترین شکل از طریق کنش گروهی فراهم کرد. هنگامی که منافع و هدف گروه‌ها همپوشانی می‌یابند و با یکدیگر تداخل می‌یابند رقابتی می‌شوند و در نتیجه گروه‌ها در تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرند (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷). همچنین، یکی از عناصر بروز درگیری‌های کاهش منابع و فقر است. دیکسون (۲۰۰۲) استدلال می‌کند «در جایی که با کمیابی منابع مواجه‌اند فقر در بین دو گروه به خشونت و نزاع منجر می‌شود و این منجر به مهاجرت افراد از منطقه می‌شود. همچنین، کشورهای ثروتمند ممکن است در بخش فرهنگ قوی‌تر باشند که در این کشورها در دهه‌های گذشته نزاع و خشونت کمتر اتفاق افتاده است». در واقع، وقتی بر سر منابع کمیاب رقابت رخ می‌دهد افراد یکدیگر را مانع اصلی فقدان دستیابی و ناکامی احتمالی به منابع مادی و طبیعی

محسوب می‌کنند و اظهار می‌دارند که اگر دیگری به منابع دست‌یابد دیگر چیزی به من و سایر هم‌گروه‌های من نخواهد رسید. به این ترتیب، یک نگرش منفی در میان گروه‌ها به خشونت می‌انجامد.

خشونت در قضیه خونخواهی و انتقام خودسرانه نیز مطرح می‌شود. «گروه‌ها یا خانواده‌ها را به جان هم می‌اندازد و انتقام‌جویی انگیزه اصلی آنهاست. یک خونخواهی نمونه زمانی آغاز می‌گیرد که عضوی از یک خانواده به قتل رسد یا زخمی گردد. در این زمان خویشاوندان قربانی درصدد انتقام از این جنایت برمی‌آیند و می‌کوشند قاتل یا یکی از خویشاوندان نزدیکش را به قتل برسانند. یک‌چنین خونخواهی در میان جوامع سنتی رخ می‌دهد (اگبرن و نیمکوف، ۱۳۵۶: ۲).

خشونت و ستیزه‌جویی عموماً زمانی که شخص آبرو، «ناموس» یا جاه و منزلت طرف درگیر را زیر سؤال می‌برد شدت می‌یابد ولی ممکن است با نقض یا زیرپا گذاشتن اصول و مبادی اخلاقی و رسوم مبتنی بر عرف عام یا اقدامی افتراآمیز از سوی یکی از طرفین نزاع روی دهد (بومیستر و همکاران، ۱۹۹۶). «أصفا» نقش «نخبگان قومی» در ایجاد درگیری‌ها را مهم تلقی نموده و آن را عامل اصلی وقوع چالش‌های قومی می‌داند. به عقیده أصفا آنچه درگیری و بحران قومی نامیده می‌شود تا حدود زیادی درگیری‌هایی بوده که توسط نخبگان ایجاد می‌گردد زیرا این نخبگان هستند که از زمینه‌های قومی متفاوتی برخاسته و بحران‌های قومی را هدایت و رهبری می‌کنند. چنین درگیری‌هایی که به تحریک نخبگان ایجاد می‌شود قابلیت فراوانی برای تبدیل شدن به درگیری‌های فراگیر در بین توده‌های قومی دارند. نخبگان از تعصبات و عقاید قالبی قومی به‌عنوان زمینه‌ای مناسب برای جلب سریع حمایت از آرمان‌های سیاسی و اقتصادی خود بهره‌برداری می‌کنند. برندگان اصلی چنین آرمان‌هایی هرچند ممکن است فقط گروه نخبگان باشند اما تمام اعضای گروه‌های قومی در این اهداف دخیل می‌شوند زیرا این اهداف به نام کل گروه قومی آغاز و دنبال شده‌اند (هورویتز، ۱۹۸۵).

پیشینه پژوهش

مطالعات گوناگونی در ارتباط با نزاع‌های دسته‌جمعی انجام شده است اما بیشتر این مطالعات به بعد خاصی از بروز نزاع‌ها توجه کرده‌اند و عوامل مؤثر در بروز این پدیده را،



پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

که ترکیبی از مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و حتی سیاسی می‌باشد، مدنظر قرار نداده‌اند. درنهایت، نتایج این مطالعات بعد خاصی را برجسته کرده‌اند. افزون بر این، کمتر به معنای ذهنی کنشگران درگیر و تفسیرهای نمادین آنها پرداخته شده است و با مطالعات کمی سعی کرده‌اند این پدیده را بررسی کنند. در اینجا نیز به فراخور مطالعه کنونی در این زمینه به برخی از پژوهش‌های انجام‌شده اشاره می‌شود.

نتایج پژوهش رضایی کلواری و بحرینی (۱۳۸۹) نشان داد که متغیرهای پرخاشگری، قوم‌گرایی، بی‌هنجاری و محرومیت نسبی دارای رابطه معنادار مثبت و متغیرهای کنترل اجتماعی، انسجام اجتماعی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سن، جنسیت و تحصیلات دارای رابطه معنادار معکوس و متغیرهای تأهل و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی فاقد رابطه معنادار با گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی می‌باشند. مطالعه‌ای با عنوان «توصیف و تبیین جامعه‌شناسی جمعی در استان لرستان» توسط چلبی و عبدالهی (۱۳۷۲) انجام شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که به‌طور کلی میزان انسجام عام، که از ویژگی‌های مهم اجتماع عام است، در استان نسبتاً ضعیف است و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که یکی از عوامل مهم نزاع‌های جمعی در استان لرستان همین ضعف انسجام عام است. جایی که انسجام وجود داشته باشد مشارکت اجتماعی بیشتر و فراگیرتر است و میزان انسجام عام در مناطق شهری بیش از روستا و در مناطق روستایی بیشتر از مناطق عشایری می‌باشد. مطالعه ناییب و خواجه (۱۳۸۸) با عنوان «ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: روستاهای کوچ و افشرد از توابع بخش خواجه در استان آذربایجان شرقی)» نشان می‌دهد که نقش نیروهای اجتماعی در شکل‌گیری نزاع‌ها مهم هستند. در جایی که گروه‌های متمایز اجتماعی وجود دارد مبارزه برای کسب قدرت و منابع کمیاب (آب و زمین) در بروز نزاع‌های دسته‌جمعی نقش تعیین‌کننده دارند. از سوی دیگر، در جایی که مبتنی بر نظام خویشاوندی نسبتاً یکپارچه‌ای است و گروه‌بندی‌های متمایز اجتماعی شکل نگرفته است نزاع دسته‌جمعی به وقوع نمی‌پیوندد.

نتایج مطالعه ربانی و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهد: الف) گرایش به نزاع در بین جامعه مورد بررسی متوسط به بالا بوده است. ب) از بین متغیرهای مستقل مطرح‌شده تأثیر کل متغیرهای پرخاشگری و قوم‌گرایی (به میزان برابر) بر متغیر گرایش به نزاع جمعی بیش از سایر متغیرها بوده است و ج) تأثیر متغیر کنترل اجتماعی بر گرایش به

نزاع جمعی کاهنده بوده است. شاطریان و همکاران (۱۳۹۴) در یک مطالعه کمی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر نزاع‌های دسته‌جمعی را بررسی کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مسائل ناموسی، تقسیم گروه به خودی و غیرخودی، کمیابی منابع، جامعه‌پذیری، معامله اجتماعی و ضعف بازدارندگی بیرونی با گرایش به نزاع ارتباط دارند.

گوگونی^۴ (۲۰۱۲) در پژوهش خود راجع به درگیری قومی در کنیا به این نتیجه رسید که تضاد گروهی، فقدان سازگاری ارزشی، حس برتری‌بینی، فقدان مدیریت تعارض، مسائل ارضی و سرزمینی زمینه‌ساز تنش بین گروه‌ها شده است. موتو^۵ (۱۹۹۵) نیز در پژوهشی ترکیبی (کمی-کیفی) نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی از جمله نبود دسترسی به زمین مناسب برای کشت و کشاورزی، دامداری و شانی، نبود آب کافی، فقدان حمایت دولت، ضعف نظام سنتی و عوامل طبیعی از جمله کاهش بارندگی در بیابان، کاهش آب لازم و همچنین افزایش مناطق محافظتی از حیوانات وحشی توسط دولت، که منجر به کاهش زمین، آب، چراگاه شده است، به درگیری و نزاع بین مناطق شبان‌نشین آفریقا انجامیده است.

روش تحقیق

روش مطالعه در این پژوهش کیفی است. در پژوهش حاضر برای شناخت و درک وجهه نظرات اهالی، که مستلزم کاوش عمیق در ذهنیت آنان بود، روش کیفی و استفاده از مصاحبه عمیق ترجیح داده شد. در قسمت اول پژوهش از فصلنامه‌ها، مجلات معتبر و کتاب‌ها استفاده شده است و در قسمت دوم نیز برای یافتن داده‌های مقتضی به تکنیک‌های گردآوری اطلاعات همچون مصاحبه عمیق تمسک جستیم. در این مطالعه مصاحبه عمقی مشتمل است بر مصاحبه با مطلعان، ریش‌سفیدان و افراد مورد اعتمادی که می‌توانند بنا بر تجربه زیسته خود اطلاعاتی در مورد پدیده مورد بررسی در اختیار پژوهشگر قرار دهند. بنابراین، برای تحلیل داده‌ها ابتدا متن مصاحبه‌ها مطالعه و سپس مفاهیم اصلی از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. در مرحله بعدی با کدگذاری مفاهیم و

۴- Gogoneni.

۵- Mkutu.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

تجزیه آنها به زیرمجموعه‌های قابل تحلیل مفاهیم اصلی مورد بررسی و تشریح قرار گرفت.

جمعیت مورد مطالعه و روش نمونه‌گیری

جمعیت مورد مطالعه تمامی افراد بالغ روستاهایی د.د، ح.ر و پ.ک شهرستان سلسله می‌باشند که بر اساس مشاهدات و تجربه پژوهشگران و نیز اطلاعات برگرفته از مطلعان روستاهای مذکور همواره به فراخور زمان نزاع‌های دسته‌جمعی بزرگ مقیاس تا کوچک مقیاسی را تجربه کرده‌اند.

نمونه‌گیری با توجه به الزامات پژوهش به صورت «هدفمند» انجام شده است. نمونه‌گیری هدفمند به معنی انتخاب نمونه‌ها بر اساس ملاک‌های از پیش تعیین شده اولیه است بدین معنی که در انتخاب نمونه‌ها سعی شده است طیفی از افراد، که به نوعی در نزاع حضور داشته یا مشاهده کرده‌اند، در بین نمونه‌ها حضور داشته باشند. بدین سان، بعد از مصاحبه با ۲۹ نفر از افراد و حصول اشباع نظری به ارایه یافته‌های پژوهش مبادرت نمودیم. لازم است اشاره شود که «کاملاً واضح است که تعداد مشارکت‌کنندگان از قبل مشخص نیست بلکه به تدریج گردآوری و تحلیل منظم داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یابد» (بلیکی، ۱۳۸۲: ۳۰۹).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون یا تجزیه و تحلیل تم^۶ استفاده شده است. تحلیل تم یکی از روش‌های اساسی تحلیل در پژوهش‌های کیفی است. اطلاعات ثبت شده مصاحبه‌ها بر مبنای روش ۳ مرحله کدگذاری شد. در کدگذاری اولیه (کدگذاری آزاد) ۴۲ کد اولیه از مصاحبه‌ها استخراج شد. سپس این مفهوم‌ها بر اساس محتوا به صورت مفهومی و انتزاعی در قالب مقوله‌های عمده دسته‌بندی شد (کدگذاری محوری). مرحله آخر کدگذاری گزینشی یا انتخابی بود. این مرحله از طریق

۶- saturation.

۲- برای واژه تم معادل پی‌رنگ پیشنهاد شده است ولی به دلیل این که واژه مزبور در روش تحقیق به کار برده شده است و مفاهیم به کار برده شده در روش تحقیق معمولاً به همان صورت به کار می‌روند معادل فارسی واژه ذکر نشد.

مقایسه هر مقوله محوری با دیگر مقوله‌ها انجام شد. هدف پاسخ به این پرسش بود که این مقوله به چه مواردی اشاره دارد و با کدام مجموعه از مقوله‌های دیگر می‌تواند در یک مقوله منتخب یا گزاره دسته‌بندی شود؟ با در نظر گرفتن این هدف به ارایه یافته‌های مقتضی مبادرت شد.

درواقع، پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها بازخوانی چندباره متون آغاز شد تا معانی و الگوها از درون متن استخراج شوند. در ادامه تعبیر مشابه از متون استخراج شدند و برای تعبیری که چندبار بار تکرار شده بودند یک مضمون کلی، که پوشش‌دهنده آنها باشد، برای کدگذاری اولیه در نظر گرفته شد. همه متون بازخوانی و کدگذاری شده و در نهایت فهرست کاملی از کدهای اولیه تشکیل شد. پس از استخراج کدهای اولیه، که تعداد آنها به ۴۲ کد می‌رسد، کار تحلیل دوباره برای ایجاد تم‌های منسجم‌تر (کدگذاری محوری) آغاز شد بدین معنی که مفاهیم پذیرفته‌شده در یک تم باید از نظر معنایی با هم متجانس باشند درحالی‌که بین تم‌های متفاوت باید تفاوت‌های مشخص و واضح وجود داشته باشد. در نهایت، تم‌های نهایی استخراج شد و تفسیر کلی متن بر اساس آنها و در ارتباط دایم با تم‌های مرحله اول و دوم صورت گرفت (جدول شماره ۱).

جدول (۱): کدها و تم‌های شناسایی شده در متون مصاحبه

ردیف	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
۱	اصل برتری طلبی طایفه‌ای در تمامی زمینه‌ها		
۲	کلیشه‌های قومی نسبت به سایر طوایف		
۳	حمایت از افرادی که نسب مشترک با هم دارند		
۴	نگرش منفی نسبت به غیر خودی	طایفه‌گرایی	اختلافات،
۵	این حس که دیگران همیشه درصد ضربه‌زدن به او و اقوام او هستند	نگرش‌های فکری و فرهنگی	نزاع و درگیری دسته‌جمعی
۶	طایفه یعنی اصالت و حمایت		
۷	مردانگی یعنی حمایت همه‌جانبه از طایفه		
۸	زنان نباید هر جایی بروند		
۹	زنان و دختران متعلق به خانواده هستند	کلیشه‌های ناموسی	
۱۰	زن یعنی حیثیت و شرافت		

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

	۱۱	زنی که بدون اجازه و خودسر باشد را باید مجازات کرد
	۱۲	هر کسی برای کاری ساخته شده است. زنان و دختران هم باید تابع مردان خانواده باشند
	۱۳	تغییر نگرش زنان نسبت به خانواده
	۱۴	رشد آگاهی جنسیتی
	۱۵	فرد بیکار دنبال شرمی گردد
	۱۶	بیکاری در بخش کشاورزی
	۱۷	اوضاع بد دامپروری
رشد بیکاری و بطالت جوانان	۱۸	تنفر جوانان نسبت به کشاورزی
	۱۹	کاهش رفاه خانوارها
شرایط اقتصادی و معیشت وابسته به زمین	۲۰	نوسان در منابع درآمد
	۲۱	بیکاری و مزاحمت برای دیگران
	۲۲	زمین برای روستایی آبرو است
	۲۳	تعرض به زمین یعنی جنایت
	۲۴	زمین داشتن یعنی هویت داشتن
اختلافات ملکی	۲۵	انتقال زمین
	۲۶	میزان سهم‌بری از زمین
	۲۷	همجواری زمین‌های کشاورزی
	۲۸	لایه‌روبی انهار
	۲۹	شوراها ناکارآمد هستند
	۳۰	هر کسی باید خود را سامان دهد
تزلزل در مدیریت روستا (ناکارآمدی شوراها)	۳۱	ریش‌سفیدی مرد
	۳۲	کمرنگ‌شدن سلسله‌مراتبها
	۳۳	تضاد بین نسل‌ها
	۳۴	بی‌سامانی رهبری روستا
	۳۵	فقدان اثربخشی ریش‌سفیدان
نگرش کلیشه‌ای نسبت به نیروی انتظامی و قضایی	۳۶	باید حق را با نیروی خود گرفت

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در ۳ دسته کلی فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی-معیشتی و سیاسی-قضایی قابل‌ارایه هستند. هدف از این کار آرایه دیدگاهی منسجم درباره ریشه‌یابی بروز نزاع‌ها و تحلیل تام و ضخیم معنای ذهنی کنشگران درگیر است.

فرهنگی-اجتماعی

فرهنگ یکی از عناصر اصلی زندگی بشر و مقوم الگوهای رفتاری افراد است. از این‌رو، بسیاری از کنش و واکنش‌های افراد در قالب‌های فرهنگی و بسترهای اجتماعی قابل تحلیل و بررسی می‌باشد. وجود باورهای متعصب و خشک طایفه‌ای یکی از مهم‌ترین عوامل بروز نزاع‌های دسته‌جمعی می‌باشد. وجود طوایف گوناگون در یک روستا همیشه با تنش‌های پنهانی همراه بوده است. در واقع، وجود چند طایفه در روستا تضاد بالقوه‌ای را به وجود آورده است. به علت رخنه ایستارها و ته‌نشست‌های طایفه‌ای در بین افراد و اصالت‌یافتن فرد در بین طایفه و داشتن حمایت‌های بی‌دریغ اعضای طایفه همواره برای فرد منشأ دلگرمی و در برخی موارد غرور و تعصب کاذب بوده است. به زعم «تونگ» (۲۰۰۷) طوایفی که ناهمگون‌تر هستند احتمال بروز خشونت در آنها بیشتر است.

«ما همیشه به همدیگر کمک می‌کنیم. همه می‌دونن که طایفه ما همشون این‌طورین. اینجا چند طایفه زندگی می‌کنن و همشون با هم همکاری می‌کنن. هم در «قال و مِرافه»^۸ و هم در کارای کشاورزی و هم در عروسی. این یه چیز عادیه» (مرد، ۶۶ ساله).

طایفه‌گرایی عاملی است که ساخت و بافت روستاهای مورد مطالعه همچنان با آن زنده است. بنابراین، در شرکت‌هایی که منشاء قبیله‌ای و طایفه‌ای دارند مرز «خودی» و «بیگانه» بر اساس معیارهای خویشاوندی و طایفه‌ای تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، تعداد محدود خویشاوندان باعث می‌شود تا دوستان کمتری در شمار تعریف قرارگیرد به همین دلیل احساس ترس از بیگانه یا غیرخودی شدت می‌یابد و همین عامل به‌عنوان منبعی اساسی برای حمایت‌های نابه‌جا در برابر دیگران محسوب می‌شود. وفاداری به گروه خودی در بین افراد سبب تنزل ارزش گروه‌ها و طوایف دیگر شده است. همین

۱- به معنای نزاع و درگیری می‌باشد.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

عامل تقویت احساس هویت طایفه‌ای و معاشرت‌های درون‌گروهی را مضاعف کرده و پیش‌داوری افراد نسبت به برون‌گروه‌ها را نیز به دنبال داشته است. در این معنا، غرور و افتخارات قومی سبب تقویت تعصبات قومی شده است.

«ما فقط به خودمون (طایفه) اعتماد داریم. اصل و اساس هم طایفه ماست و به‌خاطر همین که بعضیا با ما خوب نیستن. طایفه ما هم تعداد باسواداش بیشتره و هم زمین بیشتری داریم. ما باید تصمیم بگیریم اما بعضیا نمیخوان» (مرد، ۵۴ ساله، متأهل).

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که حمایت‌ها در بعد ذهنی نسبت به بعد عینی^۹ پایین‌تر است یعنی حمایت‌های افراد صددرصد با میل و اراده و از روی اختیار نیست بلکه فشارهای سنتی مردم را به سوی «حمایت حضوری و صوری» سوق می‌دهد. به عبارت دیگر، افراد و گروه‌های طایفه‌ای صرفاً برای این که اعلام موجودیت کنند از افراد طایفه خود حمایت می‌کنند در صورتی که ممکن است در برخی از مواقع نسبت به حمایت خود هیچ‌گونه تمایل و اشتیاقی نداشته باشند. در واقع، همیشه آمادگی روانی لازم برای مشارکت و حمایت از دیگران وجود ندارد اما به دلایل گوناگون و متنوع همچون الف) حس رقابت‌جویی یا عقب‌نیفتادن از طوایف دیگر، ب) به‌رخ‌کشیدن دارایی‌های خویش (اعم از پول و فرزند پسر)، ج) شرکت در انتخابات دهیاری برای به‌دست‌آوردن مهر مخصوص دهیاری و یا انتخاب‌شدن فردی از بین اقوام و طایفه به‌عنوان عضو اصلی شورای حل اختلاف و د) حس انتقام‌جویی ناشی از کینه‌های قدیمی به مشارکت و حمایت حضوری روی می‌آورند حمایتی که بیشتر تحت‌تأثیر فشارهای ناشی از جمع و اجبارها و ایستارهای اجتماعی و محیط فرهنگی به منصفه ظهور و عینیت می‌رسد. افراد برای به اثبات رساندن خود و ایجاد اعتماد درون‌گروهی در بین اعضای طایفه به مشارکت در نزاع روی می‌آورند. در واقع، وفاداری و تعصب به سلسله‌مراتب طایفه بر اساس روابط مستقیم و چهره‌به‌چهره شناخته می‌شود و قدرمسلّم برای به اثبات رساندن آن مشارکت و حمایت‌های مالی و جانی ضروری می‌باشد. افراد از طریق حس تعلق به جمع (طایفه) به مشارکت و حمایت از طایفه خویش و یا به عبارت دیگر به نزاع جمعی روی می‌آورند و از این طریق نه تنها هویت خود را بازتولید می‌کنند بلکه

۱- این مورد بیشتر در بین افراد جوان که از تحرک اجتماعی بیشتری برخوردارند مصداق دارد، زیرا این افراد برای از دست ندادن حمایت‌های بی‌چون و چرایی افراد طایفه خود مجبورند به ریشه‌های سنتی و طایفه‌ای روی آورند.

تأیید و پذیرش گروهی را به‌دست آورده و از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی نیز برخوردار می‌شوند. در نتیجه، عنصر درگیری بیانگر مشارکت و اعتماد متقابل افراد در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی «کارکردی» نظیر امور عام‌المنفعه و غیراجتماعی و غیرکارکردی و نزاع و ستیز است که افراد را در معرض انواعی از اعمال مرتبط با او و طایفه قرار می‌دهد. با وجود این، نگرش روستاییان نسبت به پدیده نزاع و حمایت از همدیگر نگرشی کارکردی بوده و نشأت‌گرفته از هنجارهای بده‌وبستان بین آنها است که در گذر زمان برای آنها کارایی و کارکرد داشته است.^{۱۰} به عبارت دیگر، پدیده نزاع جمعی به مثابه سازوکاری برای تأمین نیازهای روانی، اجتماعی و فرهنگی تلقی شده است که به مرور زمان در بین اهالی نهادینه شده و سازوکاری زیستی بوده که کارکرد داشته و در برهه‌هایی رواج یافته است.

«ما از همه حمایت می‌کنیم. این خودش یک نوع «قاسمسا»^{۱۱} است. در دعوایی که با طایفه (؟) داشتیم همه اومدن. اگه کمک نکنیم فردا آبرو همه می‌ره و تا عمر داریم مثل یه لکه ننگ می‌مونه» (مرد، ۵۴ ساله، متأهل).

«هر کسی از طایفه خودش حمایت می‌کند. هر کسی در «چَمَر و چویی»^{۱۲} و کارای دیگه نیازمند کمک بقیه است. همه باید از پیل (پول) تا گیون (جان) کمک کنن» (مرد، ۵۷ ساله، متأهل).

حمایت طایفه در برخی مواقع، که فرد دچار مشکلات اقتصادی و غیراقتصادی می‌شود، مشهود است. به این معنا افراد زمانی که دچار سوانح غیرمترقبه و یا نیازمند همکاری در کارهای کشاورزی می‌شوند طایفه به‌عنوان پشتوانه‌ای مالی و غیرمالی محسوب می‌شود که فرد را هم از نظر اجتماعی و هم از نظر روانی حمایت می‌کند. ازجمله این حمایت‌ها، حمایت‌های مالی در زمان عروسی به‌صورت پول نقد، حمایت در زمان ورشکستگی یا زمانی که فرد به دلایلی نظیر پرداخت دیه (یا بعد از نزاع دسته‌جمعی، که به قتل یکی از طرفین منجر می‌شود، فرد مجبور می‌شود به طرف دیگر پول

۱- این کارایی تنها جهت حمایت در برابر طوایف و افراد دیگر یا به عبارت بهتر نزاع‌دسته‌جمعی نبوده است، بلکه تأمین امنیت مالی، حمایت از خطرات طبیعی، محافظت در مقابل حیوانات وحشی و نگهداری از احشام را نیز شامل می‌شد.

۲- به معنای معامله و بده‌وبستان غیررسمی می‌باشد و بیشتر در بده و بستان‌های روزمره بین خانواده‌ها و در سطح همسایگی رواج دارد.

۳- به معنای عزا و عروسی می‌باشد.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

بپردازد) و یا در امور کشاورزی مانند خرمن کوب و یا درو که نیازمند کار دسته جمعی می باشد. «هنجارهای بده و بستان» در امور روزمره به عنوان عاملی کلیدی افراد را در ارتباط با هم قرار می دهد و باعث می شود که انسجام درون گروهی قوی و انسجام برون- گروهی ضعیف شود. به زعم «دیویس»^{۱۳} در این صورت جهان یکپارچه افراد دوشقه می- شود و جهان «ما» از جهان «دیگران» جدا می شود. این امر به معنای تضاد بالقوه و پراکندن تخم نفاق و گسست بین افراد است.

«هر کسی باید به فکر افراد (طایفه) خودش باشد. «قوم خووا» هزار بیگنه بستره. قوم خوو چوو پشت آیمه»^{۱۴}. آدم هر چی فامیل داشته باشه بازم کمه. هم در کارای روزمره مشکل نداره و هم برای روز مبادا!!! (زن، ۶۷ ساله بیوه).

خانواده باتوجه به ساختار سنتی و پدرسالار حاکم بر آن دچار دگرگونی ژرفی نشده است. زنده ماندن سنت طایفه گرایی تا حد فراوانی ناشی از فقدان سستی و لرزش عمیق در خانواده ها بوده است زیرا خانواده (در جامعه مورد مطالعه) در ارتباط با طایفه تعریف می شود. به عبارت دیگر، نه تنها فرد بلکه خانواده هم در نظام طایفه ای مضمحل شده است که در این صورت هرگونه تجاوز به فرد و خانواده به معنای تجاوز به طایفه اوست و از طرف دیگر هرگونه حمایت از فرد یا خانواده به معنای حمایت از طایفه اوست.

«ناموس پرستی»، که مبتنی بر حمایت از خانواده است، یکی از عوامل فرهنگی- اجتماعی دیگری است که حریم خانواده را تهدید می کند. تهدید حریم خانواده به معنای تهدید طایفه می باشد. «عموماً زمانی که شخصی آبرو، ناموس یا جاه و منزلت طرف درگیر را زیر سؤال ببرد خشونت و ستیزه جویی شدت می یابد و با نقض یا زیر پا گذاشتن اصول و مبادی اخلاقی و رسوم مبتنی بر عرف عام یا اقدامی افترا آمیز از سوی یکی از طرفین نزاع روی می دهد» (بومبستر و همکاران، ۱۹۹۶).

«مگه می شه کسی به یکی از ما چیزی بگه و دعوایی رخ بده بقیه (منظور اعضای طایفه است) فقط نگاه کنن. تازه اگه اون کس دت باشه یکی می میره!! البته نباید زن ها^{۱۵} تو هر چیزی دخالت کنن. اونا زنن و...» (مرد ۴۹ ساله، متأهل).

13- Davis.

۲- قوم و خویش خوب و مورد اعتماد از هزار نفر غیر خودی و بیگانه بهتر است. معنای کنایی آن این است که اقوام پشتیبان و حامی فرد هستند.
۱- منظور زن است. یعنی کسی که شوهر دارد. البته در برخی موارد این واژه برای دخترانی که هنوز شوهر نکرده اند نیز به کار می رود.

وقوع برخی قتل‌ها، «خودکشی‌ها» (از نوع خودسوزی)، ازدواج‌های تحمیلی، خشونت‌های شدید خانگی، دختران فراری، زشتی طلاق و ننگ‌های ناموسی ریشه در باورهای عمیق پدرسالاری و مردسالاری جامعه مورد نظر دارد. مهم‌ترین پیامد باور و اعتقاد به ناموس‌پرستی شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی بوده است. در واقع، در این مورد «شکل‌گیری نزاع دسته‌جمعی پیامد جمعی ناموس‌پرستی است اما پیامد فردی این پدیده، که برای زنان و دختران روستایی رخ می‌دهد، خودکشی است که اغلب به‌صورت خودسوزی خود را نشان می‌دهد». در واقع، چون زنان و دختران روستایی دارای تکیه‌گاهی برای پاسخ‌دادن به چه کسی بودن، چیستی و کیستی فردی خویش ندارند دچار اضطراب و نابهنجاری می‌شوند و نمی‌توانند به آسانی خود را در جمع تثبیت و تأیید کنند. از همین رو، به خودکشی روی می‌آورند.

نقش‌های جنسیتی از تقدس، جایگاه و مقام بسیار بالا و قابل احترامی برخوردار است. باورهای فرهنگی و اعتقادی، که ریشه در فرهنگ بومی، عرفی و مذهبی جامعه دارد، بر حفظ کرامت، حیثیت، شرافت، تقدس و پاکی و بی‌آلایشی نقش‌های زنانه تأکید دارد. به‌نوعی ارزشمندی و برتری افراد، خانواده‌ها، طایفه‌ها و اقوام به نبود هیچ نوع مسئله و روابط نامشروع در این گروه‌ها و اجتماعات است.

«تمام زندگی ما به خانواده بستگی دارد. دِتْ (دختر) نباید هر کاری بکند. اصلاً چه لزومی دارد هر حرفی بزنه یا هر جایی بره. چون سال پیش یه اتفاق افتاد که تا الآن سر زبون همه هست» (مرد، ۳۷ ساله، متأهل).

«ناموس‌پرستی» افراطی منجر به مذمومیت عشق در بین دختران و زنان شده است. وابستگی اقتصادی و اجتماعی زنان به مردان نقش بسیار مهمی در تولید و بازتولید این نگرش نسبت به زنان داشته است. ریشه اصلی این واقعیت عبارت است از «قدرت تسلط غالب به شرط قبول مغلوب» که می‌توان در مردم‌شناسی منطقه به وضوح آن را مشاهده کرد. فرهنگ مسلط قدرت خود را از طریق بازشناسی بی‌چون و چرای کسی می‌گیرد که

۲- برای دختر برخی از اصطلاحات مثل «دِتْ»، «اَفَرْتْ» و «دَلَهْشِرْ» به کار می‌رود. این اصطلاحات بیشتر توسط پیرزن‌ها و پیرمردها به کار می‌رود اما در زبان روزمره بیشتر اصطلاح «دِتْ» به کار می‌رود.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

تسلط وی را به‌طور مشروع پذیرفته باشد. این امر به اشکالی از تسلط میدان می‌دهد که وابستگی ایجاد کند؛ وابستگی به کسانی که در چارچوب جامعه مورد نظر وجود دارند. «ما نسبت به خانواده و طایفه خود متعصبیم. کسی برای ما مزاحمت ایجاد نکرده. مرگ بهتر از ننگه. اصلاً این سؤالات رو از من نپرس!!! معلومه که هر کسی برای ناموسش می‌جنگه. «آفرت» (دختر) نباید خودش باشه» (مرد، ۶۷ ساله).

«از قدیم زنان به مردان نیازمند بودن و از این به بعد نیز باید به مردان وابسته باشن. زنان باید سرشون به کار خودشون باشه و به چیزایی بپردازن که آبروریزی نشه. اصلاً چرا زن باید توی هر کاری دخالت کنه!» (مرد، ۵۳ ساله).

اقتصادی - معیشتی

احساس نیاز یکی از مهم‌ترین سازوکارهای زیستی انسان بوده و منشاء درگیری‌های عدیده‌ای در طول تاریخ بوده است. این عامل به دو صورت اختلافات ملکی و بیکاری خود را در جامعه مزبور نشان می‌دهد:

الف - اختلافات ملکی

کشاورزی و تاحدی هم دامداری یکی از منابع اصلی درآمد مردم روستاهای منطقه است. بنابراین، طبیعی است که زمین منبع مهم معیشت محسوب شود. زمین‌ها هم دیم‌اند هم آبی. به دلایل گوناگون همچون بافت بستی روستاها، جمعیت زیاد این روستاهای مورد مطالعه، ساختار پدرسالار، هویت‌بخش بودن زمین و غیره اختلافات ملکی یکی از مهم‌ترین عوامل بروز نزاع و درگیری جمعی در بین روستاییان می‌باشد. برخی مواقع نیز با توجه به نبود اسناد معتبر و رسمی گاه این عامل منشاء اختلافات و نزاع‌ها می‌شود.^{۱۷} اختلافات ملکی به دو صورت خود را نشان می‌دهد: ارث و میراث و لایروبی انهار و آبیاری مزارع کشاورزی. ارث و میراث و لایروبی انهار از جمله عوامل درون روستا هستند اما برخی از نزاع‌ها برون روستا رخ می‌دهند که از گذشته دور تا به امروز با روستاهای همجوار وجود داشته است. هر چند نرخ آنها کم بوده اما شدت اثر و عمق آنها کم نبوده است.

۱- در مورد دلایل شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان سلسله با توجه به آمار (بررسی علل و عوامل مؤثر خود کشی در استان لرستان حوزه معاونت سیاسی امنیتی، ۱۳۳) اختلافات ملکی با ۱۵.۶ درصد در دومین رده قرار می‌گیرد.

ارث و میراث

یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی «ارث و میراث» می‌باشد. به علت ساختار پدرسالار میل درونی فراوانی به واگذاری اموال به فرزندان ذکور وجود دارد. فرزند پسر به‌معنای ادامه‌دهنده سنت خانوادگی است. از این‌رو، تلاش فراوانی بین فرزندان برای تصاحب زمین‌های کشاورزی وجود دارد. این مورد به‌ویژه زمانی عمیق می‌شود که فرزند دختر با فردی غیر از طایفه پدری خود ازدواج کرده باشد. وجود ضرب‌المثل‌های فراوان مؤید این سنت است.^{۱۸} زمین به‌عنوان هستی و عامل هویت-بخشی قلمداد می‌شود که به فرد روستایی اطمینان و قدرت اقتصادی و سیاسی می‌بخشد. در یک کلام، زمین بیشتر یعنی قدرت چانه‌زنی بیشتر و به تبع آن تأثیرگذاری بیشتر. هراس از دست‌دادن زمین به‌معنای هراس از دست‌دادن هویت است. برخی افراد مسن روستایی قبل از مرگ اموال خود را به نام پسر به‌ویژه پسر بزرگ‌تر ثبت می‌کنند. هرچند کارکردهای زمین طی سال‌های اخیر تغییر یافته است اما همچنان اثرگذاری خود را بازتولید کرده است. توزیع زمین به اشکال گوناگون، چه به صورت ارث و میراث و چه فروش آن، به‌مثابه توزیع ثروت و قدرت است که همین عامل به‌عنوان مانعی است که افراد را از توزیع زمین منصرف می‌کند.

«زمین رو نباید به‌راحتی از دست داد. زمین یعنی مال و منال. کسانی که توی روستا زمین بیشتری دارن بیشتر حرفشون خریدار داره. تازه اینا زمینای پدری ماست و نباید به کسی واگذار بشه» (مرد، ۵۵ ساله، متأهل).

در اینجا نوعی تأکید بر شباهت‌های درون‌گروهی و تفاوت‌های برون‌گروهی وجود دارد. مردم خودشان و دیگران را مقوله‌بندی می‌کنند که این کار به هویت ادراکی افراد افزوده و باعث می‌شود که فرد بین درون‌گروه و برون‌گروه در ابعاد اقتصادی و توزیع ثروت (از طریق توزیع زمین) تمایز قائل شود. این بدان مفهوم است که وقتی فرد به‌نوعی مقوله‌بندی و تمایزگذاری دست یافت و نزد خود درون‌گروه را از برون‌گروه تشخیص داد ارزیابی مثبتی از درون‌گروه خواهد داشت و نوعی سوگیری به‌عنوان مثال در تقسیم

۱- از جمله ضرب‌المثل‌هایی که رواج دارد عبارتند از: پشت، پشت پدره، دا رهگذره. یعنی اصل پدر است و مادر یه رهگذر بیش نیست. کنایه از پدرسالاری است.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

منابع نسبت به گروه دیگر خواهد داشت. ناگزیر کنترل اساسی بر منابع تولید (زمین) به عنوان یکی از اشکال انسداد و حصر قدرت و ثروت برای دیگران محسوب می شود که باید به انحصار یک طایفه درآید و همچون سلطه بر دیگران به کار برده شود. فقدان توزیع زمین به شکل ارث و میراث یا دیگر اشکال مانند فروش زمین فرایندی قلمداد می شود که افراد سعی می کنند از طریق آن کنترل انحصاری بر منابع را استمرار بخشند و از این طریق بین خود و دیگران تمایز قائل شوند. چنان که یکی از ارکان تعریف طایفه در بین اهالی اشتراک زمین در کنار نسب خانوادگی است.

لایروبی انهار و آبیاری مزارع

یکی از عوامل اصلی وارد شدن به چرخه مشارکت اجتماعی در روستا داشتن زمین است. زمین داشتن یعنی مشارکت داشتن و هویت. زمین در جامعه مورد مطالعه از نظر اقتصادی برای افراد منبع ابتکار و تولید می باشد و از نظر اجتماعی هسته بنیانی سازمان اجتماعی محسوب می شود و نشانه هویت و نسب افراد می باشد. لایروبی انهار مستلزم کار جمعی و همکاری متقابل افراد روستایی است. این فعالیت جمعی بیشتر در فصل بهار انجام می شود و امری متداول است. در برخی مواقع به زمین همسایه تعرض می شود. این تعرض، تعرض به بخشی از هستی افراد محسوب می شود.

«بعضیا عمداً هنگام جو رو (لایروبی انهار) زمین همسایه خود را می برن (خراب می کنند یا می کنند) و به زمین های همدیگه تعرض می کنند. هیچ کسی از حق خودش نمی گذره. این کارها خون به دنبال داره» (زن، ۴۸ ساله، متأهل).

هنگام لایروبی انهار یا به زبان محلی «جو رو»^۱، برخی از افراد به زمین کشاورزی همسایه خود تعرض می کنند. اختلافات قبلی و اختلافات ملکی از جمله مهم ترین عواملی هستند که افراد را به ارتکاب نزاع جمعی ترغیب می کنند. همان طور که گفته شد چون این کار به صورت جمعی انجام می شود در برخی از موارد کار گروهی افراد و همکاری بین آنها منجر به نزاع های خونین می شود. این امر همواره پدیدآورنده بی نظمی هایی بوده است. آب کشاورزی روستاها عمده تاً از رودخانه ها تهیه می شود به نحوی که در سال های

۱- این واژه از دو قسمت تشکیل شده است؛ «جو» به معنای جوی یا نهر آب می باشد و «رو» به معنای پاک کردن است. روی هم رفته به معنای لایروبی و پاک کردن انهار است.

گذشته به‌علت پرآب‌بودن این رودخانه‌ها مردم روستا و حتی روستاهای اطراف این رودخانه در فصول کشاورزی برای آبیاری مزارع خود با مشکل کمبود آب مواجه نبودند اما اخیراً مردم روستا و قشر کشاورز مجبورند برای آبیاری مزارع خود در برخی مواقع به تقسیم آب بپردازند. این امر همواره منجر به درگیری‌هایی شده است. «میزان استفاده از آب، میزان سهم‌بری و مدت زمان استفاده از آب» منجر به بروز واکنش‌هایی در بین کشاورزان می‌شود. تقسیم‌بندی، آب که در اصطلاح محلی به آن «نووّه»^{۲۰} یا «نوبت‌بندی» گفته می‌شود، گاهی توسط برخی از افراد در حین استفاده از آب مورد تخطی قرار می‌گیرد و چون هرگونه تخطی از هنجارهای مرسوم به روح جمعی آسیب وارد می‌کند ناگزیر واکنش‌های تند منجر به بروز درگیری‌های جمعی می‌شود.

ب- بیکاری

روستاها از نظر اقتصادی دچار چالش‌های کارکردی فراوانی شده‌اند. تا سال‌هایتمادی روستا محل تولید بود اما امروزه این نقش کم‌رنگ شده است. به علت ازدیاد جمعیت و فقدان پاسخگویی فعالیت‌های کشاورزی به نیازهای افراد روستایی از یک‌سو و تغییر فرهنگ کار در بین جوانان روستایی از سوی دیگر فقر و بیکاری در روستا رخنه کرده است. روستای مذکور یکی از روستاهایی است که بیشترین جمعیت را در بین مناطق روستایی شهرستان به خود اختصاص داده است که یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن رخنه بیکاری در بین جوانان روستایی بوده است. بیکاری در چند سال اخیر با تغییر فرهنگ کار پیامدهای مخرب خود را به اشکال گوناگون نشان داده است.

بیکاری جوانان روستایی «مشارکت اجتماعی- تولیدی» آنان را کاهش داده است. از آنجا که افراد، ایده‌آل‌ها و ارزش‌ها و آرزوهای خود را در فرایند تعلق به گروه و جامعه می‌یابند بیکاری ویژگی همیارانه افراد و جوانان روستا را کاهش داده است و احساس انزوای اجتماعی را در بین آنها افزایش داده و مانع آینده‌نگری، اعتماد، افزایش روحیه کارآفرینی و خلاقیت آنها شده است. از طرفی، همین عامل منجر به «فشارهای ساختاری» فراوانی بر جامعه روستایی شده است. فشار ساختاری در اثر وجود فقر و بیکاری فشارهای دیگری را برای بروز انواع خاص کجروی از جمله نزاع و ستیزه به وجود

۱- نووه یا نوبت‌بندی معمولاً بین ۶ الی ۷ روز و در بعضی روستاها بین ۵ الی ۶ روز است.

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

می‌آورد. فقدان سرگرمی و پناه‌بردن به بحث‌های طایفه‌ای در نشست و برخاست‌های دوستانه در بین جوانان آتش‌کینه را برمی‌انگیزد و «تعاملات روزمره» و بحث‌های درون‌گروهی را به «تقابل‌های جمعی» و «تنش‌های طایفه‌ای» مبدل می‌نماید.

«خیلی از این دردسرها از بیکاریه. زمانی که جوانان با هم بحث می‌کنن به گذشته خود روی می‌آورن و یا ممکنه به مصرف چیزایی (موادمخدر و مشروبات) روی بیارن که اهالی روستا رو به جان هم بیندازه. من خودم دیگه خسته شدم. میخام برم شهر کار کنم» (مرد، ۲۷ ساله، مجرد).

«قبلاً هم در کارهای کشاورزی و هم غیرکشاورزی جوانان روستا با هم «کلمه»^{۲۱} می‌کردن اما الان خیلی کم شده. بیکاری همه رو بیچاره کرده و منبع شر در روستاست» (مرد، ۲۳ ساله، مجرد).

درواقع، بیکاری یکی از عوامل مهم نزاع‌های دسته‌جمعی در بین روستاییان در سال‌های اخیر بوده است. دزدی از طایفه‌های دیگر، نگاه‌های مغرضانه به نوامیس دیگران و مزاحمت‌های ناشی از مست‌شدن بر اثر سوء مصرف موادمخدر و مشروبات الکلی مواردی هستند که بیشتر در فصل تابستان و بهار منجر به بروز نزاع‌های دسته‌جمعی می‌شوند.

«باید یه جور بیکاری رو کم کرد. بیکاری باعث دزدی می‌شه، باعث بی‌غیرتی می‌شه، اعتیاد میاره، دعوا و دلگیری رو بین همسایه‌ها رواج می‌ده» (زن، ۲۵ ساله، متأهل).

با این وجود، خانواده‌های طوایفی که افراد بیکار بیشتری دارند به همین سیاق انزوای اجتماعی بیشتری را تجربه می‌کنند. همین عامل آنها را از نظام شبکه قبیله‌ای دور کرده است. این امر در سطحی دیگر از نظر روان‌شناختی آمادگی و فرصت بیشتری را در بین آنها برای روی‌آوری به نزاع‌های دسته‌جمعی به وجود آورده است.

۱- همکاری و همیاری جمعی که بیشتر در فصل تابستان و کارهای کشاورزی به‌ویژه هنگام درو کردن محصول و خرمنکوب دیده می‌شود.

سیاسی - قضایی

یکی از مهم‌ترین عوامل سیاسی در شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی نه‌تنها در جامعه مورد بررسی بلکه در سطح شهرستان انتخابات(انتخابات شوراهای شهر و روستا) می‌باشد. الگوهای رأی‌دهی افراد به‌شدت تحت‌تأثیر بافت و ساخت قبیله‌ای قرار دارد و طایفه‌گرایی^{۲۲} مهم‌ترین سازوکاری است که افراد را به سمت صندوق‌های رأی می‌کشد. مردم روستایی با وجود آن‌که نمی‌توانند از سیاست‌های روز بهره‌گیری مناسبی داشته باشند اما به هر شکلی که ممکن باشد خود را در دامان سیاست قرار می‌دهند البته نه به‌خاطر آن‌که در دامان سیاست قرار گیرند بلکه بدان جهت که نماینده و فردی از طایفه آنها در انتخابات حضور دارد و آنها هم از طریق نماینده خود ابراز قدرت و هویت کنند و هم در مواقع ضروری از کمک او بهره‌مند شوند. می‌توان گفت «مشارکت‌های سیاسی و تحریکات سیاسی در روستای بررسی شده تجلی‌گاه خواسته‌ها و آرمان‌های طایفه و قبیله در بین افراد و طوایف دیگر است که در مواقع حساس خود را به‌صورت نزاع و خشونت جمعی نشان می‌دهد».

«ما همیشه در انتخابات شرکت می‌کنیم چون همیشه یکی از ما ثبت‌نام می‌کند. ما طایفه بزرگی هستیم اگر رأی نیاریم آبرو هممون می‌ره. بعضی از جنگ‌ها هم به‌خاطر انتخاباته. چند سال پیش اگه دولت دخالت نمی‌کرد خیلی‌ها می‌مردند»(مرد، ۴۸ ساله، متأهل).

بهترین زمان برای به‌منصه‌ظهور رسیدن این ناراضی‌های فروخورده انتخابات است^{۲۳}. انتخابات شوراهای شهر و روستا مهم‌ترین صف‌آرایی طوایف و قبایل گوناگون است. تعصب و تعلق به طایفه فرد را به‌سوی شرکت در انتخابات سوق می‌دهد و در صورت پیروزی در انتخابات نابرابری‌های فروخورده را تا حد فراوانی التیام می‌بخشد و

۱- باورهای دینی و مذهبی بعد از طایفه‌گرایی دومین عنصر قوی در سوق‌دادن مردم به شرکت در انتخابات است. ریشه‌های قوی مذهبی روستاییان باعث شده که مردم شرکت در انتخابات را تکلیف بدانند.

۲- اما در مقابل، جشن‌ها بسیاری از تنش‌های قبلی را تلطیف می‌نمایند. جشن‌های دسته‌جمعی ضمن این‌که منجر به کنش جمعی می‌شوند از لحاظ روحی و روانی شادایی، کاهش تنش‌های عاطفی، رفع تیرگی‌های بین افراد و کاهش کشمکش‌های اجتماعی را به همراه دارند به‌نحوی که رفع برخی از کدورت‌های طایفه‌ای ناشی از این‌گونه جشن‌ها بوده است. برگزاری جشن‌ها همانند مناسک دینی از جمله عوامل ایجاد همبستگی و مشارکت اجتماعی هستند. علاوه بر این در جشن‌ها تنوع بیشتری به چشم می‌خورد و از طریق مشارکت‌های اجتماعی غیررسمی همبستگی اجتماعی را تضمین کرده و سلامت روحی و روانی اجتماع را به ارمغان می‌آورد و از این طریق پیوندها را بیشتر و انزوا را کمتر و نشاط اجتماعی را بیشتر می‌کند. به هر حال ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی برای ادامه حیات جوامع بسیار مهم و تعیین‌کننده است. جشن‌های گروهی ابزار مناسبی برای ایجاد چنین همبستگی اجتماعی به شمار می‌روند. چه، معمولاً برگزاری جشن‌ها با هر عنوان و علتی که باشد مورد استقبال عموم ساکنان قرار می‌گیرد.

تعبیض‌های قومی - قبیله‌ای ناشی از داشتن ثروت و زمین بیشتر را برای مدتی از نظرها غایب می‌کند.

تزلزل در مدیریت روستا و بی‌اعتمادی نسبت به مراجع نظامی و قضایی

از آنجایی که شوراهای روستایی در عرصه توزیع و اعمال قدرت در سطح محلی فعالیت می‌کنند نهادهایی سیاسی به‌شمار می‌روند. وجود دسته‌بندی‌های طایفه‌ای در بین اعضای شوراها منجر به سوگیری‌هایی به نفع طایفه خودی شده است که در بسیاری از مواقع بذر کینه و نفاق را می‌پروراند. فقدان آشنایی کافی اعضای شوراها با قانون باعث شده که این افراد نتوانند از حقوق افراد دفاع کنند و تحت تأثیر فشارها و ایستارهای قبیله‌ای احکامی صادر کنند که مشروعیت و مقبولیت آنها را لکه‌دار کند. پایین بودن میزان آگاهی مردم از ساختار و وظایف شورا باعث شده که شورا و بخش اجرایی آن یعنی «دهیاری» را، که نهادی عمومی و غیردولتی است، به‌عنوان نهادی دولتی و وابسته به دولت تلقی کنند. برخی از مسائل و مشکلات، که قبلاً با ریش‌سفیدی و حضور بزرگان حل و فصل می‌شد، امروزه تا حدی به شوراهای حل اختلاف محول شده است و چون بیشتر اعضای این شورا جوان و دارای تعلقات و تعصبات طایفه‌ای هستند احساس تعلق و تعهد کمتری نسبت به مسائل و مشکلات روستایی دارند و همین امر منجر به اتخاذ تصمیماتی می‌شود که کینه و نفرت را در بین اهالی به بار می‌آورد.

«شورای حل اختلاف نیست «شورای ایجاد اختلافه». بعضی از اعضای شورا به‌خاطر منافع طایفه خود الکی تصمیم می‌گیرند. به نظرم شورا باشه یا نباشه زیاد تأثیری به حال ما نداره» (مرد، ۴۵ساله، متأهل).

درواقع، تزلزل و فروپاشی در مدیریت سنتی روستایی (سنت کدخدامنشی و ریش‌سفیدی) از یک‌سو و نبود کارکرد مناسب نهادهای مدیریتی رسمی مانند شوراها از سوی دیگر، منجر به سردرگمی و تشویش اهالی شده است به‌نحوی که افراد را در راه چاره‌جویی برای حل «مشکلات و مسائل جدید» خود وادار به اتخاذ برخی از کنش و واکنش‌های نامطلوب سنتی (نزاع و یا هرگونه اقدام نابهنجار) می‌کند در صورتی که حل و فصل آنها نیازمند «روش‌های جدید» است.

یکی دیگر از عواملی که منجر به رواج حس انتقام‌گیری در بین اهالی می‌شود به‌موقع حاضر نبودن نیروی انتظامی و طولانی‌بودن فرایند پاسخگویی قضایی به مشکلات است. نهادها و مراجع قضایی در برخورد با مصائب رخ داده با تأسی از روبه‌های قانونی سعی می‌کنند اختلافات را حل کنند که این امر متأسفانه منجر به دیرباوری و تشکیک نسبت به کارایی آنها می‌شود. فراهم‌بودن شرایط ابراز وجود و اعاده حق و حقوق از طریق منابع قانونی مهم‌ترین عواملی هستند که موجب شکل‌گیری احساس امنیت درونی افراد می‌شوند که این عامل در بین اهالی در برخی از مواقع حساس کمرنگ می‌شود.

«پلیس یا دیر میاد یا دیر به شکایت‌ها جواب می‌ده. ما نمی‌تونیم دست رودست بزاریم ببینیم چی می‌شه. خودمون حقمون رو می‌گیریم. تازه به دادگاه رفتن ما رو از کار و زندگی میندازه و خرج داره» (مرد، ۴۵ ساله، متأهل).

«نمیشه به حضور به‌موقع دولت (منظور پلیس و نیروی انتظامی است) اعتماد کرد. زمان انتخابات شورا تا پلیس اومد جنگ تموم شد. این جنگ‌ها مثل آگرند (آتشند) و از دست دولت هم کاری ساخته نیست» (زن، ۵۴ ساله، متأهل).

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی تحت‌تأثیر عوامل عدیده‌ای بوده است اما فرهنگ هر اجتماع به‌عنوان مهم‌ترین سازوکار حیات‌بخش نقش غیرقابل‌کتمان در بروز و یا فقدان بروز این پدیده داشته است. هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و وجهه نظرات افراد الگوهای رفتاری حاکم بر کنش‌های آنان را شکل می‌دهد. کنش‌های متقابل افراد تحت‌تأثیر فرهنگ حاکم بر ساختار اجتماعی‌ای قرار دارد که افراد در آن زیست می‌کنند. بدیهی است که اگر این فرهنگ آغشته به عناصری از تبعیض، تعصب و قوم‌گرایی باشد مرز کنش‌ها و تعاملات افراد بر اساس باورهای قومی تحدید می‌شود و منجر به تمایزاتی همچون «درون‌گروه مشابه» و «برون‌گروه متمایز» می‌شود. فرد درون‌گروه مشابه را بر اساس پیوندهای قومی و قبیله‌ای تعریف می‌کند و برون‌گروه متمایز را نیز افرادی قلمداد می‌کند که در دایره محدود طایفه‌ای قرار نمی‌گیرند.

افرادی که در کنش‌های خود خانواده‌گرا، گذشته‌گرا و نسبت به طایفه خویش احساس وابستگی و مسئولیت می‌کنند گرایش بیشتری به نزاع دسته‌جمعی دارند. از طرف دیگر،

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی (سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۶)

میدان یا عرصه کنش کنشگران نیز تأمل برانگیز است؛ میدانی که با ارایه ایستارها و ارزش‌های خاص‌گرایانه به بازتولید فرهنگی می‌پردازد و منش کنشگران، هویت‌گرایی و طایفه‌گرایی را استمرار می‌بخشد. به عبارتی دیگر، این زمینه موجب شکل‌گیری ساختمان ذهنی افراد گشته و از طرف مقابل خود نیز تحت‌تأثیر همین ساختمان‌های ذهنی شکل می‌گیرد. این وضعیت متناقض نیز از عوامل اصلی ایجاد و استمرار نزاع‌های جمعی در مناطق روستایی است. به موازات گسترش امکانات و توسعه روستاها و تغییراتی که در ابعاد گوناگون کالبدی و ساختاری رخ داده است آسیب‌های اجتماعی از جمله نزاع‌های دسته‌جمعی وارد ابعاد جدیدی شده‌اند. کمرنگ‌شدن روابط خویشاوندی و رسوخ فردگرایی به روستا پیوندهای افراد و طوایف را تاحدی سست کرده است. این امر باعث شده که از یک طرف نسبت به گذشته نقش متغیرهای اجتماعی در وقوع نزاع‌ها کمتر شود و از طرف دیگر بیشتر عوامل روان‌شناختی ناشی از تنش‌های شهری و مشکلات روحی و روانی در وقوع نزاع‌های دسته‌جمعی وارد تحلیل شوند. عواملی همچون پرخاشگری و رقابت‌های شخصی باعث بروز برخی از تنش‌های فکری در بین افراد شده‌اند که در برخی از موارد خانواده‌ها را وارد تنش‌های جمعی می‌کند.

محدودیت‌های پژوهش

- مشکل در دستیابی به جامعه مورد مطالعه و محدودبودن افراد مطلع و کلیدی نمونه؛
- حساسیت بالا در هنگام مصاحبه‌های طولانی و عمیق؛
- به دلیل کیفی بودن پژوهش گاهی مواقع اطلاعات کسب‌شده از افراد وضوح کافی نداشته و ضروری بود پرسشگر براساس سرنخ‌ها اطلاعات را کامل کند؛
- مشکل در پیدا کردن برخی از معادل‌های امروزی برای استفاده از داده‌های کسب‌شده از افراد به این دلیل که افراد با زبان محلی عبارات را بیان می‌کردند.

پیشنهادهای پژوهش

- توجه به آموزش‌های فرهنگی و الزامات وحدت‌بخش دینی به‌منظور کاهش تعصبات منفی و بی‌مورد خانوادگی (ناموسی)، قومی- قبیله‌ای و تقویت همبستگی و انسجام اجتماعی با آموزش‌های به‌موقع در نهادها، ادارات، مدارس و مراکز علمی شهرستان؛
- افزایش توان اقتصادی مردم به‌منظور مقابله با کاهش منابع کمیاب و بی‌عدالتی‌های اجتماعی تا تمامی افراد به حقوق خویش دست یابند و در صورت مشاهده هرگونه بی‌عدالتی در احقاق حق خود متوسل به خشونت و نزاع جمعی نشوند.
- اجرای قاطعانه احکام صادره در نزاع‌های دسته‌جمعی توسط مراجع قضایی؛
- توجه مسئولانه نیروهای انتظامی به اختلافات مردم بدون توجه به ساختارهای قبیلگی در برخورد با خاطیان؛
- توجه به اوقات فراغت مردم به‌ویژه نسل جوان با برنامه‌ریزی صحیح و مدون و تهیه امکانات لازم در راستای رفع موانع ذهنی اختلافات و تمایزات بین خود و دیگری؛
- برنامه‌ریزی صحیح و مستمر در راستای تفکیک اراضی و مرزبندی ثابت در زمان لایروبی انهار به‌منظور پیشگیری از وقوع هرگونه اختلاف و نیز تأکید بر رسیدگی به موارد ورثه و ارث‌بری که در بسیاری از نقاط و شهرستان از عوامل بالقوه در ایجاد نزاع‌های دسته‌جمعی می‌باشند؛
- رفع ساختارهای آبرسانی کشاورزی برخلاف وجود آب‌های جاری رودخانه‌های فراوان در شهرستان.

منابع

- آگبرن و نیمکف، مایر (۱۳۵۶)، زمینه جامعه‌شناسی، ترجمه آریانپور، تهران: انتشارات فرانکلن.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود؛ عبدالهی، محمد (۱۳۷۲)، طرح تحقیق توصیف و تبیین جامعه‌شناختی نزاع‌های جمعی در استان لرستان، استانداری لرستان.
- حسینی، نثار (۱۳۸۳)، بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان در رشت، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران.
- ربانی، رسول؛ عباس‌زاده، محمد؛ نظری، جواد (۱۳۸۸)، عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی (مطالعه موردی: شهرستان‌های منتخب استان ایلام، فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره ۳).
- رضائیان، علی (۱۳۸۹)، تحلیل جامعه‌شناختی نزاع دسته‌جمعی در شهرستان دلفان، دلفان: دانشگاه پیام‌نور.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شاطریان، محسن؛ نیازی، محسن؛ عشایری، طاها (۱۳۹۴)، عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: عشایر ایل پیچیک شهرستان اهر)، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره نهم، شماره ۴.
- شریعتی، مسعود؛ مهاجری، محمدکاظم؛ ملکی، ابوالفضل (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره ۲.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی اجتماعی جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: سمت.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: سمت.
- عبدالهی، محمد (۱۳۷۲)، نظام ایلی، ماهیت و مختصات عمده جامعه عشایری ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره‌های ۲ و ۳.
- قاسمی‌نژاد، ابوذر (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین هویت اجتماعی و مشارکت اجتماعی عینی و ذهنی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.

- کلواری، نورالله؛ بحرینی، مجید(۱۳۸۹)، مطالعه رابطه عوامل فرهنگی - اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، صص ۱۳۷-۱۶۲.
- گودرزی، حسین(۱۳۷۴)، سیمای عشایر شرق لرستان، تهران: انتشارات ترسیم.
- نایبی، هوشنگ؛ خواجه، تقی(۱۳۸۸)، ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه: روستاهای کوچ و افشرد از توابع بخش خواجه در استان آذربایجان شرقی)، توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۱.
- نظری، جواد؛ فسخودی، عباس(۱۳۸۷)، تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی در مناطق روستایی استان ایلام، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره ۲۷، شماره ۱.
- Baumeister, R.F., Smart, L. & Boden, J.M. (1996). Relation of threatened egotism to violence and aggression: the dark side of high self-esteem. *Psychol Rev.* 103: 5-33.
- Baumeister, R.F., Smart, L. & Boden, J.M. (1996). Relation of threatened egotism to violence and aggression: the dark side of high self-esteem. *Psychol. Rev.* 103: 5-33.
- Eitzen S Maxine b.1992. *Social Problems*. Allyn,bacon, Bosto.
- Gogoneni, Rupo (2014). "Kenyan, Somalis clash in Nairobi", RFI. M21.
- Goldstein, A.P., B. Glick, W. Carthan et al. (1994). *The Prosocial Gang: Implementing Aggression Replacement Training*. Sage. Thousand Oaks CA.p.13.
- Horwitz, Donald (1985), *Ethnic Groups in conflict*, Berkeley: University of California press.
- Merton, R, R. Nisbet (1974). *Contemporary Social Problem*. New York: Harcourt Brace Jovanovich, Inc
- Mkutu, Kennedy (1998). *Pastoralism and conflict in the horn of AF Afrigha*.chamuliry.p 601.
- Nigeria Abdalla, Yasin&Elhadary, Eltayeb(2011), *Pastoral Land Rights and Protracted conflict in Eastern Sudan*, University of Khartoum, Faculty of Geography, Post.
- Tong, Rebecca (2009) "Explaining Ethnic Peace: The Importance of Institution," *Res Publica – Journal of Undergraduate Research*: Vol.14, p. 73.